

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۶۷۴

جمعه ۲۹ مرداد ۱۳۹۵، ۱۹ اوت ۲۰۱۶

یادداشت‌های هفته

عمید تقوایی

این جانور را هم

باید در قفس انداخت

قتل عام دهه شصت

و کشمکش جناحها

خودنمایی خودروهای دو میلیارد تومانی

و چشم انداز انقلاب

صفحه ۵

بیانیه مشترک منتقدین اسلام در آلمان

صفحه ۴



اطلاعیه حزب کمونیست کارگری ایران:

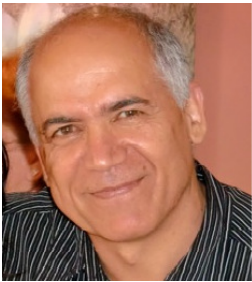
تجمع کارگران چوکا وارد ششمین روز

شد

آخرین اخبار در مورد اعتصاب کارگران چوکا

صفحه ۶

از مردم معذرت می‌خواهیم اما به جنایاتمان ادامه می‌دهیم!



خانواده‌های اعدام‌شدگان آن فاجعه از جمله بازماندگان قربانیانی که عضو مجاهدین خلق نبودند پوزش خواسته است»

در ادامه بحث به جایگاه این نوع عذرخواهی‌ها خواهم پرداخت اما ابتدا اجازه بدهید کمی خود این عذرخواهی‌ها را کمی باز کنیم. تاجزاده عضو کمیته استقبال از خمینی، مدیر کل مطبوعات و نشریات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برای سالهایی از دهه شصت و از فعالین سازمان مجاهدین

اصغر کریمی

بدنبال انتشار نوار صوتی منتظری در مورد اعدام‌های سال ۶۷ مصطفی تاجزاده از چهره‌های ملی اسلامی و دو خردادی گفته است: «اعدام‌های ۶۷ نقض موازین حقوقی و قانونی کشور بوده و حاکمیت می‌تواند با عذرخواهی از ملت و اصلاح‌ساز و کارقضایی به گونه‌ای که تکرار چنین فجایی را ناممکن کند، زخم ناشی از این اعدام‌ها را التیام بخشد. او همچنین از

انقلاب اسلامی بوده است. مجاهدین انقلاب اسلامی در آن مقطع در خط مقدم جنایات

صفحه ۲

کارگران در هفته ای که گذشت

ارزان سازی نیروی کار، هذیان گویی محمد رضا کارگر



بگذارد، زیرا اساس کار این است که فارغ‌التحصیلان دانشگاهی به دنبال جمع کردن رزومه هستند و کارفرمایان می‌توانند بدون صرف هزینه برای حقوق و دستمزد آنها را به خدمت بگیرند. محمد رضا کارگر در همین سخنان بیشرمی را به حد اعلی رسانده و یک دلیل عدم جذب سرمایه‌های غرب را "بالا بودن نرخ مزد" اعلام داشت و تاکیدش بر ضرورت بازبینی تعیین میزان مزد کارگران بود. واقعا اینها اگر زورشان میرسد ایران را بازار برده فروشی

شهلا دانشفر

چندی پیش، محمدرضا کارگر، مدیرکل توسعه اشتغال و سیاست‌گذاری بازار کار "که به‌عنوان نماینده دولت در نشست به قول خودشان تخصصی شرکت داشت و نقش "سیاست‌های حداقل دستمزد کارآفرین در صنایع کوچک و متوسط" مورد بحث بود، خطاب به کارفرمایان اعلام داشت: "دولت آماده است تا پتانسیل ارزان‌سازی کارگران را در اختیار کارفرمایان

اعلام می‌کردند. طرف می‌خواهد کارگران را "در اختیار کارفرمایان" قرار دهد و حقوق فارغ‌التحصیلی که دنبال کار می‌گردد را به جیب

صفحه ۳

روند تحولات منطقه

و موقعیت احزاب مسلح کرد

در همین رابطه روز ۱۴ اوت هیئتی ۵ نفره از سوی حکومت اقلیم کردستان عراق برای دیدار با مقامات حکومت اسلامی به تهران رفت. ظاهرا هدف از این دیدار پیرامون توپ باران مناطق مرزی در داخل خاک اقلیم کردستان بوده است که بنا به گفته کاربدستان جمهوری اسلامی این توپ بارانها برای کوییدن مواضع حزب دمکرات کردستان ایران در نوار مرزی صورت گرفته است. اما هیئت دو طرف علاوه بر گفتگو پیرامون به اصطلاح امنیت در نوار مرزی، به گفتگو در

به آخرین خبرها در حال حاضر مردم این روستاها با نگرانی و احساس ترس و نا امنی به محل سکونت خود بازگشته اند. بیشتر و بعد از حضور نیروهای مسلح حزب دمکرات کردستان ایران و وقوع چندین درگیری بین آنان با نیروهای سپاه پاسداران، جمهوری اسلامی، علاوه بر توپ باران نواحی مرزی در داخل خاک کردستان عراق، مقامات نظامی جمهوری اسلامی حکومت اقلیم را تهدید به اقدامات تندتر و بیشتری بخاطر حضور نیروهای مسلح حزب دمکرات کردستان ایران در مناطق مرزی کرده بود.

عبدال گلپریان

روز پنجشنبه ۱۱ اوت ۲۰۱۶ روستاهای اطراف شهرک "سیده کان"، بنامهای، "بیرکمه، به‌رین، به راویان" و چهار روستای دیگر نوار مرزی در داخل کردستان عراق توسط نیروهای سپاه پاسداران جمهوری اسلامی توپ باران شدند. خوشبختانه آسیب جانی به مردم وارد نشد اما تمامی مردم این هفت روستا که جمعیت آنها بیش از پانصد نفر می‌باشند همگی همراه با دامهایشان آواره و سرگردان شده و خانه و کاشانه خود را رها کردند. بنا

صفحه ۲

از مردم معذرت می‌خواهیم اما به جنایاتمان ادامه می‌دهیم!

از صفحه ۱

حکومت بود. اینها خط امامی بودند و نقش اصلی و فلسفه وجودی شان از بنو تاسیس، سرکوب مردم بود از جمله در دستگیری‌ها و سرکوب‌ها و اعدام‌های بعد از ۳۰ خرداد سال ۶۰ و اعدام‌های سال ۶۷ و در سرکوب مردم کردستان نقش مهمی بعهده داشتند. در واقع جمهوری اسلامی بر دوش امثال مجاهدین انقلاب اسلامی توانست سرکوب بیرحمانه‌ای را سازمان بدهد و خود را سر پا نگهدارد. تاجزاده از اعدام‌های سال ۶۰ به بعد و سرکوب مردم کردستان معذرت‌خواهی نمی‌کند. از کل جنایات بیشمار حکومت علییه دانشجویان، کارگران، کشتار مردم ترکمن صحرا و کردستان و خوزستان، و قتل عام هزاران زندانی سیاسی در سالهای ۶۰ به بعد، نه حرفی می‌زنند و نه معذرتی می‌خواهد. اینها هیچکدام از نظر او «غیر قانونی و نقض موازین حکومت» نبوده و قابل معذرت‌خواهی نیست. البته منتظری بیچاره، یا به قول امثال شیرین عبادی، پلر حقوق بشر ایران! هم اعتراضش فقط به همین یک فقره از اعدام‌ها بود نه بیشتر.

تاجزاده از اعدام‌های سالهای اخیر و از جمله بیش از دو هزار اعدام دوره روحانی نیز معذرت نمی‌خواهد و آنها را خلاف موازین حکومت و خلاف قانون نمی‌داند. نقدی به بیحقوقی زنان و سرکوب آنها ندارد، نقدی به اعدام همجنسگرایان و خارج شدگان از دین و اعدام هزاران زندانی متهم به مواد مخدر ندارد، کلا ایشان نه نقدی به اعدام دارد نه نقدی به بیحقوقی مردم، نه به دستگیری‌های گسترده فعالین اعتصابات و اعتراضات. ایشان از مدافعین پر و پا قرص حکومت روحانی و جنایات این حکومت است. فقط به یک فقره از جنایات حکومت در تابستان ۶۷ انتقاد دارد و می‌گوید حاکمیت معذرت‌خواهی کند و از خانواده‌های

قربانیان حالیت بطلد و برود کارش را بکند. اشتباه نشود اصلاح ساز و کار قضایی که ایشان می‌گوید منظور تغییر هیچ قانونی نیست، تغییر قانون اساسی نیست، لغو قوانین قصاص و چشم درآوردن و دست بردن نیست. همینکه سیستم قضایی به اصلاح طلبان زیاد بند نکند از نظر ایشان اصلاح میشود. با این توضیحات باید روشن باشد که معذرت‌خواهی تاجزاده و درخواست معذرت‌خواهی حکومت از ملت، ارزش درخودی ندارد. به معنی عدم تکرار جنایت از جمله اعدام و سرکوب مردم نیست. می‌خواهد که حکومت از مردم معذرت بخواهد و به جنایات روزمره اش که از ۶۷ به بعد هم یک روز از آن غافل نبوده است، ادامه بدهد. معذرت بخواهد شاید مردم فراموش کنند و سابقه‌نگین لااقل یک فقره از جنایات حکومت یعنی کشتار زندانیان سیاسی در تابستان ۶۷ از چهره حکومت و هم حزبی‌های ایشان، که امروز مغضوب حکومت واقع شده‌اند، زوده شود.

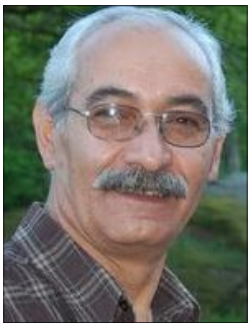
اما این معذرت‌خواهی برای حاکمیت، اهمیت دیگری دارد و موجب نگرانی میشود و اگر از حداقلی از انسجام بود تاجزاده را بلافاصله می‌گرفت و چند سال دیگر هم در زندان نگه میداشت. با پخش نوار صوتی منتظری، بلافاصله پسر منتظری را به دادگاه کشاندند، وادارش کردند فایل صوتی را از سایت مربوطه بردارند، مقامات مختلف حکومت و رسانه‌های وابسته به حکومت گفتند و نوشتند که هرچه بوده بر اساس موازین و قوانین بوده است. گفتند اجازه نمیدهند کسی تاریخ را تحریف کند اما هیچکدام جرات نکردند به صراحت گوشه‌ای از این تاریخ را و آنچه در حق زندانیان سیاسی و همینطور مردم کردستان و ترکمن صحرا و دانشجویان و کارگران کردند، بازگو کنند. میدانند که خود حاکمیت در برخورد به آن جنایت یکسخت نیست و نباید سر این قرقره

باز شود. اهمیت معذرت‌خواهی تاجزاده در همین نکته است. همین سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی که در صف اول جنایات حکومت در تمام دهه شصت بوده است، الان توان دفاع از سیاست‌های خود و حکومت در آن دوره را ندارد. آرزو میکنند و تلاش میکنند که آن دوره فراموش شود. اصلاح طلبان حتی سعی میکنند نقش خود در جنایات نظام، جنایاتی که خود نقش درجه اول در آن داشته‌اند، را کم‌رنگ کنند و جنایات را به جناح دیگر منتسب کنند. این ناتوانی‌ها و بی‌شهامتی‌های تاریخی را انزجار عمیق و اعتراض گسترده مردم، به آنها تحمیل کرده است. دیگر انسجامی در مواجهه با مردم ندارند. هر کدامشان مشغول افشای عده دیگری است. به همین دلیل است که توان سرکوب و اعتماد بنفس‌شان در مقابل مردم بشدت پایین آمده است. وگرنه هزار بار بیشتر به جنایت متوسل میشدند که مردم را سر جای خود بنشانند.

حکومتی که در بحران لاعلاج دست و پا می‌زند و هرروز پته اش با افشای دزدی‌ها و فساد عمیق ارگانها و مقامات و آیت‌الله‌های بیشتر روی آب می‌افتد، و بر دریایی از خشم و نفرت نشسته است، نمیتواند انسجام داشته باشد. اگر خمینی به وقت خود چسب درون نظام بود امروز خامنه‌ای در میان بخش زیادی از خود حکومتیان منفور است. کم نیستند کسانی که در صفوف حکومت منتظر فرصتی هستند تا از حکومت و گذشته نکبت بار خود تبری بجویند و دیر یا زود در مقابل امواج اعتراض مردم به معذرت‌خواهی و التماس خواهند افتاد. اما برای جلو انداختن این اتفاق، امروز مردم باید خواهان محاکمه کلیه سران حکومت، از اصول‌گرا تا دو خردادی و اصلاح طلب، به جرم ۳۷ سال جنایت از جمله جنایت هولناک تابستان ۶۷ شوند.

روند تحولات منطقه و موقعیت ...

از صفحه ۱



مورد تحکیم رابطه اقتصادی و تجاری بین طرفین نیز پرداخته‌اند. توپ باران روستاهای کردستان عراق در نوار مرزی بعد از آن صورت گرفت که یک هفته قبل از ملاقات دو هیئت جمهوری اسلامی و حکومت اقلیم کردستان، برهم صالح نماینده اتحادیه میهنی کردستان عراق که رابطه بسیار نزدیکی با جمهوری اسلامی دارد و از سیاستهای رژیم در منطقه حمایت میکند به تهران سفر کرده بود. حضور نیروهای مسلح حزب دمکرات کردستان ایران که اکنون مورد حمایت مسعود بارزانی قرار دارند خوشایند اتحادیه میهنی نیست. استقرار نیروهای مسلح حزب دمکرات کردستان ایران با همکاری مسعود بارزانی در این مناطق، اتحادیه میهنی را بر آن داشت که در اوج وقاحت و بیشرمی در مقابل توپ باران مردم این مناطق نه تنها بیخیال باشد بلکه در تسویه حساب با حزب دمکرات مسعود بارزانی برای به اصطلاح کوبیدن مواضع نیروهای حزب دمکرات کردستان ایران در نوار مرزی به مقامات جمهوری اسلامی چراغ سبز هم نشان دهد.

اما این کل صورت مسئله نیست. واقعیت مسئله این است که نه آمریکا و نه روسیه نفوذی همچون دوران جنگ سرد در میان دولتهای منطقه خاورمیانه ندارند. بر بستر این شرایط جمهوری اسلامی و دولت عربستان مدتها است که در تقابل با هم صف آرایی کرده‌اند. دخالتهای جمهوری اسلامی در یمن، سوریه، عراق، لبنان و اقلیم کردستان برای عربستان هیچگاه خوشایند نبوده است. هر یک مدام در صدد تنظیم توازن با احزاب و دولتها و یا برتری یکی بر دیگری در تلاش هستند. در صحنه دولتهای منطقه، دو حزب اصلی حکومت اقلیم کردستان هر یک در دو سوی این صحنه قرار گرفته‌اند. اتحادیه میهنی در قطب جمهوری اسلامی و حزب دمکرات کردستان عراق به رهبری مسعود بارزانی در قطب عربستان جای

گرفته‌اند. از سوی دیگر با توجه به روند این تحولات و رقابتهای دیرینه حزب دمکرات کردستان عراق با پ ک که از سوی جمهوری اسلامی حمایت میشود، از سال ۲۰۱۵ به این سو حزب دمکرات مسعود بارزانی این امکان را برای حزب دمکرات کردستان ایران فراهم کرد که برای ایجاد بالاتس در رقابتهای منطقه‌ای، موی دماغ جمهوری اسلامی شود و تا حدودی پ ک را از برخی نواحی خارج سازد. طی هفته‌های اخیر نیز برگ سوخته دیگری چون سازمان مجاهدین خلق را می‌خواهند در این صف آرایی مطرح کنند.

با توجه به سیر این تحولات و رویدادها، حزب دمکرات کردستان ایران و دیگر احزاب قومی مسلح اپوزیسیون جمهوری اسلامی که در کردستان عراق مقراتی دارند، در گردونه این رقابتها به احزابی در دست هر یک از دول منطقه تبدیل شده‌اند. تا کنون چندین جلسه بین احزاب مسلح اپوزیسیون جمهوری اسلامی برای ایجاد جبهه‌ای واحد برگزار شده است که حزب دمکرات کردستان عراق از آنان حمایت میکند.

برخلاف آنچه که بعضی‌ها فکر میکنند گویا حزب دمکرات کردستان ایران به ایفای نقش فعال در رابطه با "جنبش کردستان" مبارزه مسلحانه را از سر گرفته است باید گفت که نه تحرك نظامی حزب دمکرات و نه ایجاد جبهه احزاب مسلح در قبال این تحولات، هیچگونه ربطی به مبارزات امروز مردم در شهرهای کردستان ندارد. فیکور تحرك نظامی حزب دمکرات حتی در قالب حضور نظامی سنتی

به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید

کارگران در هفته ای که گذشت

از صفحه ۱

بیسابقه اش نظیر هفده روز اعتصاب قلمرومند ۴ هزار کارگر ایران ترانسفو، اعتراضات دو هزار کارگر آلومنیوم المهدی در هرمزگان، اعتراضات متحدانه کارگران چوب چوکا، اعتراضات دو هزار کارگر پالایشگاه

خلیج فارس و تجمعات هر روزه و همزمان گروههای مختلفی از کارگران، معلمان، بازنشستگان و مردم معترض در مقابل مجلس اسلامی است که بعضا از شهرهای مختلف به تهران می آیند تا پیگیری خواستههایشان شوند و... همه و همه بیانگر واقعی این حقیقت است.

همچنین اعتراض علیه بیکاری از سوی جوانان جویای کار تحرك بیشتری پیدا کرده است. نمونه اش در هفته اخیر در جریان سفر روحانی به کهگیلویه و بویر احمد اتفاق افتاد. در جریان این سفر کارگران اخراجی کارخانجات مختلف و نیز جوانان جویای کار در این شهر حضور او را به صحنه اعتراض خود علیه بیکاری و نابسامانی زندگی شان تبدیل کردند و جواب جانورانی چون محمد رضا کارگر را دادند.

به عباتر روشنتر امروز ما شاهد آنیم که کارگران هر روز بیشتر و متعزز تر به جلو می آیند و اعتراضات چند ماهه اخیر کارگری بطور واقعی از یک نقطه عطف مهم در جنبش اعتراضی کارگری حکایت دارد که در هر قدمش تحولاتی کیفی را به نمایش میگذارد. در چنین شرایطی بحث بر سر "آرزان سازی نیروی کار"، چیزی جز هذیان گویی نیست.

بدین ترتیب در شرایطی که اقتصادشان فلج شده و بحران تمام وجود این حکومت را گرفته است، نزاعهایشان بیش از هر وقت بالا گرفته و آنچنان به جان هم افتاده اند

که هر روز اسناد جدیدتری از دزدی ها و از جنایاتشان بر ملا میکنند و یکدیگر را به صلابه میکشند، و در شرایطی که داستان حقوقهای نجومی شان، کل حاکمیت را به تکان در آورده است، و جامعه چنین خشمگین و معترض و متعزز است، هذیان گویی های امثال محمد کارگر و این دزدان شکم سیر حکومتی را باید با اعتراضی

سراسری بر سر خواست افزایش دستمزدها سه میلیون و پانصد هزار تومان در قدم اول، و نیز خواست هایی چون درمان رایگان و تحصیل رایگان برای همه به عنوان خواستههای اولیه و فوری جواب دهیم. کارگران و معلمان دو نیروی اصلی این جنبش اند، دو سال است که با این خواستها جلو آمده و جنبشی را شکل داده اند. وسیعا به صف این اعتراضات پیوندیم.

موج وسیع بیکارسازی ها

بن بست اقتصادی و بی سرانجامی برجام و همه امیدها و آمالهایی که به آن داشتند، جمهوری اسلامی را در نقطه ای بحرانی قرار داده است. خبرها حاکی از اینست که بحران رکود اقتصادی ایران دامن گیر صنایع بزرگ تولیدی شده است. از جمله ذوب آهن اصفهان با ۱۵ هزار کارگر به جمع شرکت های ورشکسته پیوسته و هزاران کارگر شاغل در آن به خیل عظیم میلیونی کارگران بیکار می پیوندند. علی یزدانی، معاون وزیر صنعت، معدن و تجارت و مدیرعامل سازمان صنایع کوچک و شهرکهای صنعتی ایران در اردیبهشت امسال از این خبر میدهد که در شهرک های صنعتی کشور ۳۷ هزار و ۳۵ واحد صنعتی وجود دارد که از این تعداد هفت هزار و ۵۸ واحد متوقف و تعطیل هستند. تنها در معادن در ظرف سه سال اخیر ۷۰۰ معدن به تعطیلی کشیده شده و بنا بر خبری معنای آن بیکاری جمعیتی حدود ۴۲ هزار کارگر است و این درحالیست که باقی معادن نیز زیر ظرفیت اسمی خود تولید دارند.

همچنین محمد آزاد رئیس اتحادیه کشوری آهن و فولاد ایران از تعطیلی دست کم ۱۴ تا ۱۵ واحد تولیدی آهن و فولاد در سال گذشته خبر داد. جزء مکمل این موج وسیع بیکارسازی ها، نپرداختن دستمزدها است. اینها فقط رقم و آمار نیستند، اینها داستان زندگی هزاران کارگر و خانواده کارگری است که با بیکاری، فقر و بی تامينی دست و پنجه نرم میکنند.

اما در برابر این وضعیت کارگران و مردم جامعه ساکت نیستند و جنگی هر روزه بر سر

زندگی و معاش در جریان است. از جمله اعتراض علیه بیکارسازی ها که همواره با نپرداختن ماهها دستمزد و حتی حق بیمه کارگران به تامین اجتماعی همراه است، یک محور مهم اعتراضات کارگران است. نکته قابل توجه اینجاست که در این مبارزات کارگران جانانه ایستاده و از زندگی و معیشتشان دفاع میکنند. اعتراضاتی متحد و قدرتمند که ابعادش گسترده و کیفیتا جدید و نوین است و فضای سیاسی شهرها را تغییر داده است.

از جمله نمونه هایی چون ایران ترانسفو، آلومنیوم المهدی و چوب چوکا نمونه های بارزی از مبارزات جانانه و هر روزه کارگران در برابر این تهاجم همه جانبه به زندگی و معیشتشان را نشان میدهد. مبارزاتی که دستاوردهای مهمی برای کل کارگران داشته و راه نشان میدهد. اخبار این اعتراضات را وسیعا پخش کنیم. از این اعتراضات حمایت و پشتیبانی کنیم. از درسهای آن بیاموزیم و در برابر تعرضات حکومت اسلامی و موج وسیع بیکار سازیها و بی تامينی مطلق که تحمیل میشود، متحد و قدرتمند بایستیم.

هفته گذشته، هفته ای

پر جنب و جوش

جنبش اعتراضی کارگری روزها و هفته های پر از اعتراضی را پشت سر میگنارد. در کنار اعتراضات هر روزه کارگری در این شهر و آن شهر و در کارخانه های مختلف، ادامه اعتراضات کارگران چوب چوکا و اعتصاب دو هزار کارگر پالایشگاه خلیج فارس و تجمعات اعتراضی هر روزه معلمان حق التدریس در کنار دانشجویان فارغ التحصیل دانشگاه نفت، و اعتراض کارگران از چندین کارخانه علیه بیکارسازیها و جوانان جویای کار همزمان با سفر روحانی، از جمله سرتیتر های مهم اخبار کارگری در هفته گذشته است.

اعتراض کارگران و

جوانان بویر احمد

به بیکارسازیها و بیکاری

روز ۲۴ مرداد کارگران و جوانان جویای کار در کهگیلویه و بویر احمد حضور روحانی را به صحنه اعتراض

خود تبدیل کردند. طبق گزارشی کارگران کارخانه قند یاسوج، شرکت نفت، جمعی از کارگران قراردادی و جوانان متقاضی کار با حمل پلاکاردهایی اعتراضاتشان را نسبت به عدم پرداخت حقوق، وضعیت نابسامان کارگران قراردادی، عدم تبدیل وضعیت کارکنان شرکت نفت و بیکاری اعلام کردند. نظیر همین اتفاق در جریان سفرهای استانی روحانی در چندین شهر دیگر نیز روی داد.

همچنین همزمان با سفر روحانی کارگران فولاد دنا نیز در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهایشان تجمع کردند و حق و حقوقشان را طلب کردند. بطوریکه فرماندار بویر احمد کارگران را تهدید کرد که اگر در این روزها که روحانی به سفر استانی به این شهر رفته است، به اعتراضشان ادامه دهند، مطالباتشان پیگیری نمیشود و کارگران با ادامه اعتراضشان پاسخ محکمی به او دادند. اتفاقی که در بویر احمد و کهگیلویه افتاد و فضای اعتراضی که در شهر بر پا شد، نشان دیگری از فضای پر التهاب محیطی های کارگری است. یک عرصه مهم این اعتراضات، اعتراض علیه بیکارسازیها و علیه بیکاری است.

کارگران چوب چوکا در حمایت از ۱۳ همکار احضار شده به دادگاه

صبح روز ۲۷ مرداد ۱۳ نفر از کارگران ایران چوکا با شکایت کارفرمای کارخانه به دادگستری شهرستان رضوانشهر احضار شدند. در این روز بدلیل عدم حضور کارفرمای کارخانه در مقام شاکی کارگران، بازجویی کارگران به تعویق افتاد. دلیل احضار این کارگران اعتراضات متوالی کارگران کارخانه چوکا از پاییز سال گذشته است. این کارگران به بیکارسازیها و عدم پرداخت دستمزدها اعتراض دارند و به جای کارفرما این کارگرانند که در مقابل متهم به دادگستری احضار شده اند. دستگاه قضایی جمهوری اسلامی، و دم و دستگاه قضایی اش، دستگاه خدمت به سرمایه داران و سرکوب جامعه است.

نزدیک به دو هفته است که

بیانیه مشترک منتقدین اسلام در آلمان ، ۱۰ اوت ۲۰۱۶

در یک اطلاعیه مشترک منتقدین سرشناس اسلام خواهان تغییر سیاست دولت آلمان هستند. نه فقط تروریسم اسلامی بلکه با تفکر مبتنی بر آن و اسلام سیاسی باید بطور موثر مقابله شود.

راه حل سکولاریسم است!

ترورهای اسلامی در هفته های اخیر تعداد زیادی از مردم را در شوك فرو برده است و احساس ناامنی زیادی به مردم دست داده است. با توجه به این حملات خونبار ما معتقدیم که یک تغییر سیاست ضروری است تا ما بتوانیم از پرنسپ های یک جامعه آزاد و باز دفاع کنیم. برای دفاع از پرنسپ های جامعه آزاد ما نه فقط باید با ترور اسلامی مقابله کنیم بلکه با ایدئولوژی و تفکر نهفته در این جنایات و اسلام سیاسی باید بسیار موثرتر از اینها مقابله کنیم.

خطرانی که از سوی این جنبش مذهبی متوجه جامعه ما است، باید بالاخره از سوی سیاست در آلمان جدی گرفته شود. در غیر اینصورت اسلام سیاسی میتواند در دنیا نفوذ بیشتری پیدا کند و هر جا که نفوذ و قدرت پیدا کرد، روابط اجتماعی را طبق نقشه و نظر خود تغییر دهد.

آپارتاید جنسی، تحت فشار گذاشتن روابط آزادانه جنسی، محدود کردن آزادی بیان، اجبار به رعایت حجاب اسلامی، تهدید همجنسگرایان، دو جنسیتی ها و ترانس سکسوالها، همچنین تهدید بی خدایان و معتقدین به مذاهب دیگر سیاست و رفتارهای عملی روزمره در کشورهایی است که حکومت های اسلامی در آنجا تسلط دارند.

این وحشتناک است که این نقض سیستماتیک حقوق بشر از سوی بسیاری از پست مدرنیستها و مالتی کالتالیستها یا مورد بی توجهی قرار میگیرد و یا زیر پرده یک نوع توراتس بغایت غلط درك شده، مورد صبر و بردباری قرار میگیرد.

در اروپا ما بطور فزاینده با این مشکل روبرو هستیم که در سالهای اخیر مساجد بیشتری ساخته میشود و نفوذ و تاثیر سازمانهای اسلامی بیشتر و بیشتر میشود. این سازمانهای اسلامی در

موارد زیادی از سوی حکومت های اسلامی همچون عربستان سعودی ترکیه و یا ایران مورد حمایت قرار میگیرند و علاقت این دولت ها را در اروپا نمایندگی میکنند.

اینها سعی میکنند وانمود کنند که میخواهند از اسلام رادیکال فاصله بگیرند اما در عمل تعدادی از این سازمانها علاقت این دولت های اسلامی و ارتجاعی را نمایندگی میکنند و در عمل از ترورها و از سیاست های ایجاد شوك و وحشت این دولت ها برای محکم کردن جای پای خود استفاده میکنند.

بسیاری از مردم از کشورهای به اصطلاح اسلامی که به آلمان آمده اند نمیخواهند با این سازمانهای اسلامی رابطه ای داشته باشند. ولی این سازمانهای ارتجاعی سعی میکنند چنین جلوه دهند که به نمایندگی از طرف چهار میلیون نفر پناهنده و مهاجر از این کشورها حرف میزنند. و مشکل مهم اینست که دولت آلمان با این بازی خطرناک همراهی میکند. بجای اینکه دولت هر فرد را بعنوان آحاد جامعه و اندیویدوال / فرد با علاقت متفاوت در نظر گرفته و این تفاوتها را جدی بگیرد.

با این سیاست دولت یک تصویر غلط را به نمایش میگذارد که گویی اینها یک هویت جمعی دارند که ظاهرا احزاب اسلامی علاقت و خواستهای آنها را نمایندگی میکنند که این نگاه به این جریانها کمک زیادی کرده و با این سیاست بسیاری از مردم شانس اینکه وارد مکانیزم یک جامعه سکولار بشوند را از دست میدهند.

پاسخ سکولاریسم است

فقط وقتی در آلمان قوانین و مقررات مطلقا بر پایه سکولاریسم بنا نهاده شود، میتوان امید داشت که در مقابل تنش موجود یک راه حل پیدا شود.

فقط با چنین سیاستی فرزندان

ما میتوانند بدون نفرت و خشونت در یک جامعه انسانی تر و صلح آمیزتر باهم بزرگ شده و زندگی کنند. فقط از این طریق جلوی رادیکال تر شدن بیشتر گرفته میشود.

با توجه به نکات بالا انجام دادن اقدامات زیر حیاتی است:

جدایی کامل مذهب از دولت . جلوگیری از نفوذ و تاثیر گذاری هر نوع مذهبی در سیستم آموزش و پرورش، در سیستم بهداشت و در مطبوعات و تجسس و تحقیقات علمی

. ممنوعیت دخالت قوانین مذهبی در امور مربوط به خانواده، قوانین مربوط به مجازات و حقوق فردی

. نقطه پایان گذاشتن بر تبعیض علیه همجنسگرایان و ترانس سکسوال ها، اقلیت های مذهبی، زنان و آزاد اندیشان، اکس مسلم ها و بقیه

آزادی اعتقاد و بیان، همچنین آزادی انتقاد از مذاهب برابری همه مردم در مقابل قوانین

دولت آلمان با تغییر سیاست خود میتواند به تحقق این خواستها کمک کند و با اجرای چنین سیاستی نه فقط باعث میشود که جنبش ارتجاعی اسلامی وادار به عقب نشینی بشود، بلکه همچنین باعث عقبگرد بیگانه ستیزی در جامعه نیز میشود.

نیروهای راسیستی در اروپا فقط به دلیل سوء استفاده از بسیاری سوالات بی پاسخ در مورد مشکلاتی از این نوع، به عنوان بلندگوی تبلیغاتی ناراضی ها خود را به معرض فروش گذاشته اند.

ما امضا کنندگان این بیانیه خواهان به رسمیت شناخته شدن و اجرای فوری این نکات توسط دولت آلمان هستیم:

۱/ با نقض حقوق انسانی تحت

هیچ شرایطی نباید کنار آمد.

۲/ دولت باید به سیاست مداخلات و کنار آمدن با سازمانها و نهادهای اسلامی فورا پایان دهد.

۳/ به سیاست به اصطلاح "انتگراسیون" توسط سازمانهای اسلامی و جریانات اسلامی و همچنین توسط مساجد باید فورا پایان داده شود.

۴/ روابط سیاسی و اقتصادی با حکومتها باید با توجه به میزان رعایت حقوق انسانی در آن کشورها در نظر گرفته شده و اجرا شود.

۵/ تدریس اتیک برای همه در آلمان باید جایگزین تدریس مذاهب در مدارس این کشور شود.

۶/ تدریس شنا و آموزش روابط و بیماریهای جنسی، سکسوالیته و شرکت در سفرهای مدارس بخشی از سیستم آموزش در آلمان هستند.

۷/ دولت باید حجاب معلمین مدارس ابتدایی و حجاب کودکانی که به بلوغ نرسیده و شناختی از مذاهب ندارند، را در مدارس عمومی ممنوع اعلام کند.

این اقدام لازم است تا ما بتوانیم از تلاش دختران برای دستیابی به برابری در خانواده های اسلامی سخت گیر حمایت کنیم.

۸/ کمکهای دولتی برای مساجد و نهادهای اسلامی همچنین آموزش اسام در دانشگاهها باید فورا متوقف شود. بجای این اقدامات باید مراکز اجتماعی برای آگاهگری و مشاوره برای زنان و جوانان همچنین همجنسگرایان از کشورهای اسلام زده سازمان یابد. دولت باید تلاش کند که مددکاران اجتماعی بیشتری و مشاورین بیشتری آموزش داده شوند، که افراد در معرض تعرض و قربانیان را کمک کنند.

۹/ همه افراد در مقابل قانون برابر هستند هیچ نوع کمک ویژه ای به هیچ گروهی بدلیل تعلق مذهبی اشان نباید داده شود.

کارگران در هفته ای که گذشت

از صفحه ۳

۱۰/ اقلیت های مذهبی همجنسگرایان همچنین زنان و کودکان باید در هایم های پناهندگی و مراکز نگهداری پناهندگان از طرف دولت مورد حمایت و محافظت قرار بگیرند.

امضا کنندگان
مینا احدی فعال حقوق انسانی نهاد اکس مسلم آلمان

نازنین برومند نهاد اکس مسلم آلمان
مریم نمازی فعال حقوق انسانی نهاد اکس مسلم بریتانیا

حامد عبدالصمد کارشناس اسلام و سیاستمدار
علی اوتلو فعال مدافع حقوق انسان

ارزو توکر نویسنده
افق اوزبه روزنامه نگار

میشاییل اشیمت سالمن فیلسوف از بنیاد جردانو برونو
توماس اوستن ساکسن روزنامه نگار

و نهاد وادی
فولکر پانتزر ژورنالیست و مجری تلویزیون

Unterzeichnerinnen und
Unterzeichner:
Mina
Ahadi (Menschenrechtlerin,
Zentralrat der Ex-Muslime
Deutschland)

Nazanin
Borumand (Zentralrat der Ex-
Muslime Deutschland)

Maryam
Namazie (Menschenrechtlerin,
Zentralrat der Ex-Muslime
Großbritannien)

Hamed Abdel-
Samad (Politologe und
Islamexperte)

Ali Utlu (Menschenrechtler)
Arzu Tokar (Schriftstellerin)
Ufuk Özbe (Publizist)

Michael Schmidt-
Salomon (Philosoph,
Giordano-Bruno-Stiftung)

Thomas Osten-
Sacken (Publizist, Wadi
e.V.)
Volker Panzer (Journalist
und Moderator)

اعتراضات کارگری است. و در اعتراضات آنان نمونه های خوبی از اتحاد و همبستگی، از جمله شرکت خانواده های کارگران در این اعتراضات بوده ایم.

کارگران چوب چوکا در اعتراض بسر میبرند و به گفته آنان دور جدید اعتراضات چوب چوکا، اعتراض به احضار همکارانشان است. کارخانه چوب چوکا یکی از کانونهای داغ

یادداشت‌های هفته

حمید تقوایی

این جانور را هم باید در قفس انداخت

دادگاه قانون اساسی ترکیه رابطه جنسی با کودکان زیر ۱۵ سال را مجاز اعلام کرد. به گزارش خبرگزاری‌ها دادگاه قانون اساسی ترکیه قانونی که رابطه جنسی با افراد زیر ۱۵ سال را جرم اعلام می‌کرد را ملغی کرده و به پارلمان ترکیه فرصت داده است که ظرف ششماه قانون جدیدی تصویب کند.

این یک گام به عقب و در جهت اسلامی کردن قوانین در ترکیه است. این عقب‌گرد نشان می‌دهد که حزب عدالت و توسعه، که دولت‌ها و رسانه‌های غربی معمولاً بعنوان یک نیروی اسلامی میانه رو و معتدل از آن نام می‌برند، در ارتجاع و تحجر دست کمی از جمهوری اسلامی ندارد. در جمهوری اسلامی سن ازدواج برای دختران رسماً و قانوناً ۱۳ سال - و به اذن ولی به شرط مصلحت با تشخیص دادگاه صالح - بدون محدودیت سنی است. یعنی با رضایت پدر و تشخیص قاضی شرع تجاوز به دختر بچه‌ها در هر سنی قانونی مجاز است! و حالا قرار است پارلمان ترکیه نیز قانونی شبیه به این تصویب کند و رسماً به کلپ تجاوزگران رسمی به دختر بچه‌ها بپیوندد. اعضای دیگر این کلپ، داعش و بوکو حرام دختران را میدزدند و به بردگی می‌فروشند، و دولت‌های اسلامی در ترکیه و ایران به تجاوز به دختر بچه‌ها رسمیت قانونی می‌دهند.

ناف جنبش اسلام سیاسی را با زن ستیزی بریده‌اند. اسلام "معتدل" اردوغان، اسلام "ضد شیطان بزرگ"

خامنه‌ای و اسلام تروریست داعش و بوکو حرام در ضدیت با زنان و نگاه به زن بعنوان کالای جنسی و ابزار لذتجویی مرد اختلاف‌پندانی با یکدیگر ندارند. در یک سطح کلی تر زن ستیزی وجه مشترک همه ادیان است ولی بقول منصور حکمت "بیشتر ادیان را بشریت آزاداندیش و آزادیخواه در طول صدها سال در قفس کرده است. این یکی را هرگز نگرفتند و مهار نکردند. چرخ میزند و نکبت می‌آورد."

زمان در قفس کردن اسلام نیز فرارسیده است! این وظیفه تاریخی‌ای است که امروز در مقابل جنبش چپ و کمونیستی در کشورهای اسلامزده قرار دارد. امروز پرچم رنسانس و پرچم عصر روشنگری و سکولاریسم و اتم‌نیسم در دست نیروهای چپ و سوسیالیستی است، و جبهه اصلی این نبرد کشورهای اسلامزده است. در صف مقابل ما نه تنها دولت‌ها و نیروهای اسلامی اعم از میانه رو و افراطی و غیره بلکه دولت‌ها و رسانه‌های رسمی غرب و همه آن نیروهائی قرار دارند که تحت عنوان پست مدرنیسم و نسبییت فرهنگی و یا "مبارزه با امپریالیسم" جنایت اسلامپون را توجیه می‌کنند و حتی بر قتل‌های ناموسی در اروپا چشم فرو می‌بندند. تصمیم ارتجاعی دولت ترکیه یکبار دیگر به همه جهانیان نشان می‌دهد که اسلام بدخیم و خوش خیم نداریم. این جانور را نیز، مانند آنتیکان و مسیحیت قرون وسطی، باید گرفت و در قفس انداخت.

خودنمائی خودروهای دو میلیارد تومانی و

چشم انداز انقلاب

به گزارش رادیو فردا ایران یکی از بازارهای پر رونق برای خودروهای لوکس و گرانقیمت نظیر ب.ام.و و پورشه و مازراتی است. قیمت این خودروها به بیش از دو میلیارد تومان بالغ می‌شود! یعنی مبلغی معادل درآمد یک خانواده کارگری در ظرف بیش از دوپست سال!

این البته خبر غیر منتظره‌ای نیست. بالاخره درآمد حاصل از حقوق‌های نجومی و دزدی‌های هنگفت آیت الله‌ها و مقامات حکومتی و آقازاده‌هایشان باید یک جانی خود را به معرض نمایش بگذارد. این جلوه‌ای از خودنمائی یک درصدی‌های مالتی میلیارددر است که از تشدید قطبندی بین کمپ فقر و ثروت و طوفانی که در افق در حال شکل‌گیری است خبری می‌دهد.

سایت رادیو فردا از قول سعید لیلان روزنامه‌نگار و کارشناس اقتصادی طرفدار جناح روحانی شرایط اقتصاد ایران را شبیه شرایط سالهای قبل از انقلاب ۵۷

میداند و عامل این وضعیت را نیز دولت احمدی نژاد و افزایش قیمت نفت در آن دوره معرفی می‌کنند. این هم قابل انتظارتست که طرفداران روحانی با دیدن اتومبیلیهای سوپر لوکس در خیابانها به یاد سوء مدیریت احمدی نژاد بیافتند. از نظر آنها مسئول حقوق‌های نجومی و دزدی‌های میلیاردی مقامات نیز دولت احمدی نژاد است. تنها نکته درست در این تحلیل شباهت شرایط امروز به شرایط قبل از انقلاب ۵۷ است. انقلاب دیگری در راه است. انقلابی نه تنها علیه احمدی نژادها و اصولگراها بلکه علیه کل نظام جمهوری اسلامی! خودنمائی خودروهای میلیارد تومانی در خیابانهای تهران در مقابل گرانی و بی‌کاری و دستمزدهای یک چهارم خط فقر از شکل‌گیری چنین انقلابی خبر می‌دهد. نوبت عرض اندام نود و نه درصدیها در خیابانهای تهران و همه شهرهای ایران بزودی فرا خواهد رسید.

قتل عام دهه شصت و کشمکش جناحها

این بوده است که نقش خود در جنایات نظام متبوعه شان را کمرنگ کنند و کاسه کوزه‌ها را بر سر جناح مخالف بشکنند. در مورد کشتار ۶۷ نیز همین شیوه را در پیش گرفته‌اند. تاجزاده از خانواده اعدامیان ۶۷ پوشش می‌خواهد و پسر آیت الله منتظری نوار صحبت‌های قدیمی پدرش در اعتراض به اعدام‌های ۶۷ را منتشر می‌کند. اما واقعیت آنست که از "مزایای" این کشتارها همه جناحها و مقامات حکومتی سود برده‌اند. جنایت دهه شصت با هر تعبیر و تفسیری از شرع اسلام در خدمت تحمیل کل نظام جمهوری اسلامی، با همه جناحها و دارو دسته‌های مختلفش بوده است. و لذا نه تنها در ارتکاب این جنایت هولناک همه مقامات و دارو دسته‌های حکومتی شریک بوده‌اند بلکه منفعت سیاسی واحد و مشترکی نیز داشته‌اند.

دغدغه مردم کشاکش جناحها و یا تعبیر مختلف از اسلام نیست بلکه جارو کردن نظام جمهوری اسلامی است. باید از شر کل این نظام خلاص شد. این یک خواست عمیق و آمال اکثریت عظیم مردم ایران است و دقیقاً همین واقعیت باعث شده است جناحهای حکومتی بجان یکدیگر بیافتند و جنایاتی که همگی در آن دست داشته‌اند را به گردن یکدیگر بیاندازند.

اعدام‌های ۶۷ دنباله اعدام‌های خرداد شصت و برای تثبیت قدرت جهنمی جمهوری اسلامی بر جامعه‌ای بود که این نظام را نمی‌پذیرفت و هنوز نمی‌پذیرد. و همین واقعیت است که بخشی از حکومت را به صرفت "اصلاح طلبی" و تبری جستن از جنایات شرعی و قانونی نظام متبوعه شان انداخته است. توده مردم در این تلاشها ضعف کل حکومت و قدرت خود را می‌بینند و بس.

یک تلاش دارو دسته‌های "اصلاح طلب" حکومتی همیشه

اعدام‌های ۶۷ بر اساس موازین شرعی و قانونی بوده"

صادق لاریجانی، رییس قوه

قضاییه

این استدلال مشعشع آخوندی

در دفاع از قتل عام تابستان ۶۷

تنها افشاکننده ماهیت

جنایتکارانه "موازین شرعی و

قانونی" جمهوری اسلامی است.

اگر قتل چند هزار زندانی سیاسی

در عرض چند هفته و در

"دادگاههای" ۵ دقیقه‌ای منطبق

بر موازین شرعی و قانونی است،

باید این قوانین و موازین را به

زباله دان انداخت. خمینی در توجیه

کشتارهای جمهوری اسلامی

میگفت "حضرت علی بدست

مبارک خود در یک روز هزار نفر را

گردن زده است" و حالا لاریجانی به

قوانین شرعی استناد می‌کند! ما

برخلاف جناح اصلاح طلب

حکومت و نیروهای اپوزیسیون

ملی - اسلامی، از سرورش و شیرین

عبادی گرفته تا بیت منتظری و

سازمان مجاهدین که مبلغ اسلام

"نوع دیگری" هستند، با این

اظهارات مقامات جمهوری

اسلامی کاملاً موافقیم. رئیس

دستگاه آدمکشی جمهوری

اسلامی درست می‌گوید: قتل عام

مخالفین، و زندانیانی که حاضر به

توبه و اظهار ندامت نبوده‌اند،

کاملاً شرعی است؛ همانطور که به

شلاق کشیدن زنان بد حجاب و یا

کارگران معترض شرعی است،

همانطور که اعدام "مرتدین" شرعی

است، همانطور که اعدام

همجنس‌گرایان و سنگسار

"زناکاران" شرعی و قانونی است.

اما جناحها و نیروهای مختلف

اسلامی درون و بیرون از حکومت

هر نظر و تعبیری داشته باشند

مساله بر سر تعابیر و برداشتهای

مختلف "قوانین شرعی" نیست،

بلکه کاربرد و مطلوبیت سیاسی

این قوانین در حفظ نظام جهنمی

جمهوری اسلامی است.

یک تلاش دارو دسته‌های

"اصلاح طلب" حکومتی همیشه

روند تحولات منطقه و موقعیت ...

از صفحه ۲
 و تاریخ این حزب هم نمی گنجد. بیش از بیست سال انفعال نظامی این احزاب و سازمانها بویژه در مقاطعی که مردم شهرهای کردستان طی دو دهه اخیر مبارزات و اعتراضات اجتماعی و چشمگیری از خود نشان داده اند، بجز باد زدن قومیسگری در حاشیه جامعه کردستان، هیچگاه آنان حتی کوچکترین جنب جوشی در مواضعشان در دفاع از این حرکتها را در درون همان اردوگاه ها از خود بروز نداده اند. اینک طی یکسال اخیر به تکاپو افتاده اند همانطور که اشاره شد بعزت قرار گرفتنشان در صفتبندیهای کنونی میان دولتتهای منطقه است. هر دو شاخه حزب دمکرات و دیگر سازمانهای قومی مسلح در کردستان عراق، طی دو دهه اخیر تلاشهای زیادی کردند که بر بستر حمله نظامی آمریکا به ایران دستشان بجایی بند شود اما روند اوضاع و شرایط این امکان را برایشان فراهم نکرد. اکنون و بعد از انقلابات منطقه خاورمیانه به این سو که توسط دولتتهای سرکوبگر و احزاب و نیروهای باند سیاهی و اسلامی به خاک و خون کشیده شد، بر بستر اوضاع و شرایط جدیدی که در رقابت بین دولتتهای منطقه بویژه با محوریت عربستان و جمهوری اسلامی بوجود آمده است این احزاب هم تلاش میکنند شانس خود را بیازمایند.

اما در آنسوی این تصویر و خارج از معادلات، رقابت و بده و بستان در میان بالایی ها، جنبشهای اعتراضی، اجتماعی، کارگری، رادیکال و چپ بدون وقفه در جامعه کردستان ایران و در پیوند با مبارزات سراسری در ایران مدام در جریان بوده است که افق و چشم انداز امید بخش، روشن و متفاوتی از آنچه که این احزاب در در شکافهای منطقه

۱۸ اوت ۲۰۱۶

تجمع کارگران چوکا وارد ششمین روز شد

تولید کارخانه خوابیده اما کارگران با دریافتی ماهی ۱۵۰ هزار تومان مشغول بازسازی کارخانه بودند اما بعد از بازسازی نیز تولید راه نیفتاده است.

کارگران ایران چوکا علیرغم سرسختی و عزم و اراده قاطع برای ادامه مبارزه، هنوز اهرم های مهمی دارند که به کار نیفتاده است. تشکیل گروههای خبررسانی در مدیای اجتماعی، راهپیمایی در شهر تالش و رشت، همراه کردن خانواده های کارگران در اجتماعات آنها و جلب همبستگی مردم شهر ابزار مهمی است که کارگران را در مقابله با کارفرما و ارگان های دولتی از قدرت بیشتری برخوردار میکند. تجارب مبارزاتی کارگران آلمینیوم المهدی و ایران ترانسفو که با مشکلات کم و بیش مواجهی هستند بسیار کارساز است. حزب کمونیست کارگری ضمن حمایت از خواست های بحق کارگران، اعضای خانواده های آنها و مردم آزادیخواه را به حمایت فعال از کارگران و شرکت در اجتماعات آنها فرامیخواند.

حزب کمونیست کارگری ایران
 ۲۳ مرداد ۱۳۹۵، ۱۳ اوت ۲۰۱۶

فرمانداران تالش و رضوانشهر و نماینده مجلس در جمع کارگران حاضر شوند و بلافاصله دو ماه حقوق معوقه به حساب کارگران واریز شد. مقامات حکومتی ضمن قول هایی به کارگران، از آنها خواستند که آرامش را حفظ کنند و به تجمع پایان دهند اما کارگران که از این قول و قرارهای توخالی زیاد شنیده اند به تجمع خود ادامه دادند.

در ماههای گذشته کارگران این کارخانه بارها علیه این وضعیت و برای تحقق خواست های خود دست به اعتصاب و تجمع اعتراضی زده اند. در ماههای فروردین، اردیبهشت، خرداد و تیر بارها کارگران تجمع کرده اند. در برخی از این تجمعات خانواده های کارگران نیز شرکت داشتند. از حوالی نیمه خرداد ماه کارگران به مدت یک ماه متوالی دست به تجمع زدند. روز ۲۲ تیرماه با شکایت کارفرما ۱۲ کارگر که به گفته او نقش کلیدی در اعتراض داشته اند، به مراجع قضایی حکومت احضار شدند. لازم به توضیح است که از یکسال قبل

تجمعات اعتراضی ۱۰۰۰ کارگر کارخانه صنایع و کاغذ چوکا در کیلومتر ۸ جاده رضوان شهر به تالش که از روز ۱۸ مرداد شروع شده است همچنان ادامه دارد. کارگران خواهان ادامه کار کارخانه و امنیت شغلی خود، پرداخت حقوق های معوقه، پرداخت حق بیمه تکمیلی توسط کارفرما و امکان استفاده از خدمات درمانی هستند.

کارگران این کارخانه از روز ۱۸ مرداد در مقابل درب کارخانه چادر زده و شبانه روز و بصورت شیفتی دست به تحصن زده اند. کارفرما مدعی شده بود که پولی برای پرداخت حقوق ندارد اما اعتصاب متحدانه کارگران و پس از آنکه کارگران در روز ۲۱ مرداد تجمع خود را از مقابل کارخانه به شهر تالش کشاندند باعث شد که حقوق دو ماه آنان را پرداخت کنند. کارگران در تجمع خود در شهر تالش خواهان حضور نماینده رژیم از این شهر و سایر مسئولین حکومتی شدند و پافشاری آنان باعث شد که

آخرین اخبار اعتراضات کارگران چوکا

بر اساس آخرین اخبار منتشر شده در رسانه های داخل کشور، کارگران چوکا روز چهارشنبه ۲۷ مرداد پس از ده روز اعتراضات شبانه روزی خود را بطور موقت پایان دادند. این اقدام بدنبال قول هایی است که از طرف مسئولان شهر از جمله فرماندار و "نماینده" مجلس شورای اسلامی، داده شد.

صبح روز ۲۷ مرداد اعلام شد که ۱۳ نفر از کارگران به دادگستری رضوانشهر احضار شده اند. این احضار بدنبال شکایت کارفرما و متهم ساختن کارگران به اغتشاش انجام شده است. تاکنون خبری منتشر نشده است که کارفرما بجرم نپرداختن دستمزد هزار کارگر به دادگستری احضار شده باشد.



دیگر پس است!
 ما بیش از این تحمل نخواهیم کرد.

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: بهروز مهرآبادی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود